

تعاون و کشاورزی، سال هشتم، شماره ۳۱، پاییز ۱۳۹۸

آسیب‌شناسی زنجیره ارزش کارآفرینی در کسب‌وکارهای روستایی (مطالعه موردی تعاونی‌های روستایی استان کرمانشاه)

غلامحسین حسینی نیا^{۱*}، وحیدعلی آبادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۸ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۵

چکیده

این مطالعه به روش توصیفی-تحلیلی با هدف آسیب‌شناسی ابعاد زنجیره ارزش پورتر در کسب‌وکارهای روستایی استان کرمانشاه، از دیدگاه فعالان بخش تعاون، با استفاده از تکنیک تاپسیس فازی انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق را ۱۴۵ نفر از فعالان برتر (به تشخیص اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی و اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان کرمانشاه) بخش تعاون استان تشکیل دادند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک تاپسیس فازی صورت پذیرفت. نتایج رتبه‌بندی نشان داد از میان ۵ دسته موانع زنجیره ارزش کسب‌وکارهای تعاونی روستایی، نبود سازوکار صحیح تأمین منابع مالی در عرصه کسب‌وکارهای تعاون روستایی مهم‌ترین چالش این زنجیره است. برپایه نتایج نمودار عنکبوتی، کارآفرینان فعال در بخش خدماتی عدم آموزش مهارت‌های کارآفرینی، فعالان بخش دامپروری عدم سیاست‌گذاری و نبود حمایت‌های صحیح دولتی و کارآفرینان بخش کشاورزی ضعف مشاوره تخصصی و نبود مشاوران متخصص در زمینه‌های شغلی به همراه نبود سازوکار صحیح تأمین منابع مالی را از مهم‌ترین موانع زنجیره ارزش در توسعه کسب‌وکارهای تعاونی روستایی برشمردند. واژه‌های کلیدی: آسیب‌شناسی، زنجیره ارزش کارآفرینی، مدل پورتر، کسب‌وکار روستایی، تعاونی روستایی، تکنیک تاپسیس (TOPSIS)

۱. دانشیار گروه کسب‌وکار جدید، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران

hosseininia@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول

۲. دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا

مقدمه

با راه‌اندازی و ارتقای تعاونی‌ها در مناطق روستایی می‌توان در راستای توسعه و گسترش محصولات نوآورانه و کسب‌وکار جدید در روستاها و پیشبرد برنامه‌های توسعه روستایی اقدام نمود. با توجه به ظرفیت‌های توسعه بخش تعاون و لزوم بهره‌گیری از سازوکارهای مناسب برای توسعه از یک‌سو و کارایی و اثربخشی کارآفرینی بسان یک راهبرد توسعه‌ای از دیگرسو، راهبرد توسعه کارآفرینی در بخش تعاون یا هم‌افزایی نهضت تعاونی با راهبرد توسعه کارآفرینی سازوکار و راهبرد مناسبی برای توسعه بخش تعاون کشور برپایه کارآفرینی به نظر می‌رسد (Gautam & Mishra, 2016; Hassan & Kong, 2016).

تعاونی‌های کارآفرین روستایی و کشاورزی را می‌توان یکی از ابزارها و راهکارهای اساسی در افزایش و گسترش فرصت‌های اشتغال، افزایش سطح درآمد، ارتقای سطح بهره‌وری مزرعه و سرعت بخش روند توسعه روستایی به شمار آورد. بر همین اساس، تعاونی جایگاه مطلوبی است که می‌تواند روحیه کارآفرینی را در افراد تقویت کند و در شکوفایی ویژگی‌های مثبت آنان نقش شایان توجهی داشته باشد (Arbabi et al., 2015; Hussain Shehu, 2014).

امروزه در نظریه‌های جدید توسعه از کارآفرینی روستایی و توسعه کسب‌وکارهای خرد به عنوان راهکاری مناسب برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی در جهت تغییر الگوی زندگی کنونی، کاهش شکاف شهر و روستا، و ایجاد برابری اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی یاد می‌شود (یعقوبی‌فرانی و همکاران، ۱۳۹۳). در دنیای امروز، کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکارهای نوین برای ادامه حیات و پویایی اقتصاد کشورها بسیار ضروری می‌باشد. دهلسترند (Dahlstrand, 2007)، سارنکتو و همکاران (Saarenketo et al., 2009) و ساکسنا (Saxena, 2012) ذکر می‌کنند که توسعه روستایی و نیز توسعه کسب‌وکارها حتی پیش‌ازپیش با کارآفرینی مرتبط می‌باشند. دریگا و همکاران (Driga et al., 2009) بیان می‌کنند که کارآفرینی در نواحی روستایی می‌تواند وضعیت اشتغال را بهبود دهد، خدمات محلی را تنوع بخشد و از مردم روستا حمایت پایدار و جامع نماید.

بنابراین، سیاست و خط‌مشی کارآفرینی در نواحی روستایی تبدیل به ابزاری راهبردی برای رسیدن به توسعه پایدار بلندمدت شده است. یکی از این راهبردها توسعه کارآفرینی روستایی می‌باشد. متأسفانه با وجود اهمیت و قابلیت‌های فراوان بخش روستایی کشور، سهم این بخش در اشتغال کشور روزبه‌روز در حال کاهش است. به لحاظ نظری، توسعه تشکیل تعاونی می‌تواند توانمندی اقتصادی اعضا را افزایش دهد (بهنود، ۱۳۸۸). با بهبود وضع زندگی اعضا و افزایش سطح دسترسی به منابع تولید، در نهایت، خوداتکایی آنان افزایش می‌یابد (برازنده مقدم، ۱۳۸۸). یک تعاونی به‌نوعی کسب‌وکاری است که با هدف ارائه خدمات به اعضا در زمینه‌های مختلف بازاریابی، خرید، فروش، تأمین نهاده‌های اولیه و حمایت صنفی شکل می‌گیرد. تعاونی‌ها در اصول و مبانی، از قوانین بخش تعاون پیروی می‌کنند و ویژگی بارز آنها فعالیت در حوزه تولید و کسب‌وکار می‌باشد (USDA, 2010).

دریگا و همکاران (۲۰۰۹) معتقدند یکی از چالش‌های توسعه کارآفرینی و کسب‌وکار در کشورهای درحال توسعه نبود زنجیره ارزش به معنای واقعی آن در این فرایند است. گفتنی است در زمینه بررسی آسیب‌های زنجیره ارزش در بستر کسب‌وکارهای تعاونی مطالعه‌ای در کشور صورت نگرفته است، لذا هدف پژوهش حاضر بررسی آسیب‌های زنجیره ارزش در بستر کارآفرینی روستایی و به‌طور مشخص، تعاونی‌های روستایی می‌باشد.

مبانی نظری

در کشورهای درحال توسعه، اصلی‌ترین کسب‌وکارها در اختیار روستاییان قرار دارد و نقش آنها در اقتصاد کشورهای خود بارز است (Poza, 2007). آنان اغلب شیوه زندگی سنتی و معیشتی دارند که مانع از نوآوری و خلاقیت و کارآفرینی می‌شود (مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۱). بر این اساس، در مناطق روستایی، به‌رغم وجود افراد خلاق و نوآور، سبک فعالیت کارآفرینانه نهادینه نشده است، زیرا موانع و محدودیت‌های گوناگونی در این باره وجود دارد (Heritot, 2008).

زنجیره ارزش اولین بار توسط مایکل پورتر در سال ۱۹۸۵ مطرح شد. وی فعالیت‌های یک شرکت از نقطه شروع، یا همان تأمین مواد اولیه، تا رسیدن محصول نهایی به دست مصرف‌کننده نهایی را یک زنجیره ارزش توصیف می‌کند به طوری که طی هر یک از این مراحل یا فعالیت‌ها، ارزشی بر کالا یا خدمت افزوده می‌شود. پورتر عقیده داشت که زنجیره ارزش تعیین‌کننده فعالیت‌های مرتبط راهبردی است که یک شرکت از طریق آنها کسب‌وکار خود را هدایت می‌کند (صرافی زاده و محمدزاده، ۱۳۸۹). وی در راستای ارائه مدل زنجیره ارزش، فعالیت‌های دخیل در سازمان‌های تولیدی را به دو بخش اصلی و حمایتی (پشتیبان) تقسیم نمود. فعالیت‌های اصلی آن دسته از فعالیت‌هایی است که انجامشان سبب ارتقای ارزش محصول می‌شود. رویکرد زنجیره ارزش در تحلیل فعالیت‌های درون‌سازمانی ابزاری مؤثر در شناخت نقاط قوت و ضعف و تصمیم‌گیری در مورد هر یک از این فعالیت‌هاست (حسینی، ۱۳۹۲). همچنین به کمک آن می‌توان در راستای عملیاتی کردن برنامه‌های بلندمدت، از جمله برنامه‌های ارتقای کیفیت، حرکت کرد.

مفهوم زنجیره ارزش با توجه به فعالیت‌های ارزشی، قابل تعریف است و به نوعی نشان‌دهنده کلیه فعالیت‌هایی است که در ایجاد ارزش برای خدمت نقش دارند. بر این اساس، کلیه فعالیت‌های ارزشی را می‌توان براساس نقش و تأثیرشان در زنجیره ارزش سازمان، دسته‌بندی کرد (حسین زاده، ۱۳۹۴). از طرفی، یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که در توسعه و ارتقای کارایی تعاونی‌ها نقش دارد، زنجیره ارزش است. بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر، بررسی فعالیت‌های زنجیره ارزش و شناسایی آسیب‌های آن در کسب‌وکارهای روستایی با محوریت تعاونی‌های روستایی از دیدگاه فعالان تعاون در استان کرمانشاه بود.

بنابراین، زنجیره ارزش دامنه تمامی آن فعالیت‌هایی است که ارائه محصول یا خدمت را از مرحله ایده و مفهوم تا مراحل مختلف تولید، تحویل به مشتری نهایی و بازیافت در برمی‌گیرد (آذر و همکاران، ۱۳۹۲). در واقع، زنجیره ارزش مجموعه‌ای از عملیات است که در یک صنعت به صورت زنجیرگونه انجام می‌پذیرد تا به خلق ارزش منجر شود. محصولات از میان حلقه‌های این

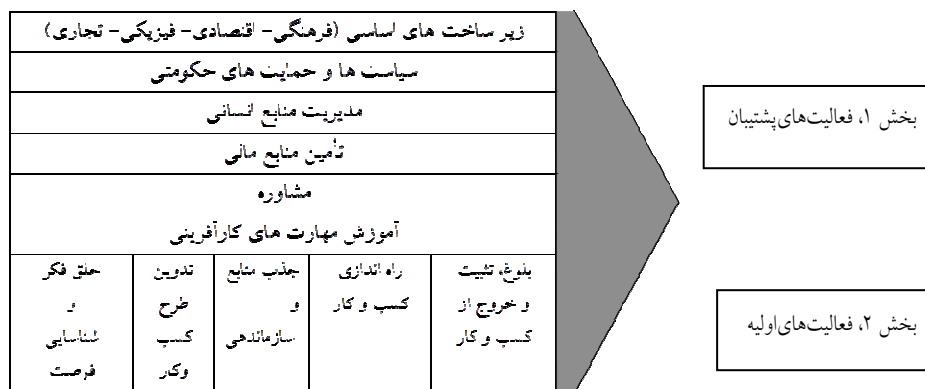
زنجیره عبور می‌کنند و در هر حلقه، ارزشی بر محصول نهایی افزوده می‌شود. این زنجیره از دوسو با مؤثرترین عوامل محیطی، یعنی تأمین‌کنندگان و مشتریان مرتبط می‌شود (منصوری و ریاضی، ۱۳۹۲). سرانجام اینکه مدل زنجیره ارزش ابزار پایه برای شناخت مزیت رقابتی و یافتن روش‌هایی برای ارتقای بنگاه و کمک به آن برای دستیابی به راهکارهای عام است. در حقیقت، ایده زنجیره ارزش بر داشتن دید فرایندی به بنگاه استوار است. درک مزیت رقابتی با نظر به کلیت بنگاه میسر نیست، بلکه ریشه در فعالیت‌هایی دارد که بنگاه در زمینه‌های مختلف انجام می‌دهد (Sergey et al., 2008). این مدل به تدوین توسعه راهکار کارآفرینی کمک شایانی می‌کند و نقاط قوت و ضعف را به‌خوبی نمایان می‌سازد. همچنین زبان مشترکی بین کارآفرین و مجموعه پشتیبان ایجاد می‌نماید.

زنجیره ارزش کارآفرینی

با مروری بر ادبیات کارآفرینی به این نکته پی می‌بریم که نظریه پردازان، کارآفرینی را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی تجزیه و تحلیل کرده‌اند و مطالعات زیادی در رابطه با موفقیت و شکست و موانع کارآفرینان انجام و در آنها سعی شده است عوامل برونی و درونی مؤثر بر موفقیت و شکست کارآفرینان بررسی شود و نتایج قابل قبولی نیز به دست آید (Kader et al., 2007). در این میان، زنجیره ارزش مدل و ابزار مناسبی برای شناسایی فعالیت‌های کارآفرینی و کسب‌وکارها و عوامل شکست و ناکامی‌شان می‌باشد. این مدل فعالیت‌ها و نحوه تعامل آنها را به‌خوبی روشن می‌سازد. مدل زنجیره ارزش کارآفرینی، که بر اساس زنجیره پورتر پیشنهاد شد، ابزار قدرتمندی برای شناسایی مزیت رقابتی و یافتن روش‌هایی برای توسعه کارآفرینی می‌باشد. همچنین با مشخص نمودن نقاط قوت و ضعف، برنامه‌ریزان را در تهیه راهکار کارآفرینی یاری می‌رساند. این الگو بر مبنای دید فرایندی استوار است و در آن فعالیت‌های موجود در فرایند، به دو گروه فعالیت‌های اولیه و پشتیبان تقسیم می‌شوند. فعالیت‌های اولیه گروهی از فعالیت‌ها هستند که شخص یا سازمان کارآفرین از زمان بروز فکر و تشخیص فرصت تا راه‌اندازی و تثبیت کسب‌وکار انجام می‌دهد و فعالیت‌های پشتیبان آن است که فعالیت‌های اولیه را حمایت می‌نماید. فعالیت‌های اولیه موجود در

این زنجیره عبارت‌اند از: فکر و تشخیص فرصت، تدوین طرح کسب‌وکار، جذب منابع و سازماندهی، راه‌اندازی کسب‌وکار، بلوغ، و تثبیت و خروج از کسب‌وکار. این فعالیت‌ها هرکدام به نوبه خود به عنوان یک فرایند مطرح می‌باشند. فعالیت‌های پشتیبان، که فعالیت‌های اولیه را حمایت می‌نماید، عبارت است از: آموزش مهارت‌های کارآفرینی، مشاوره، تأمین منابع مالی، مدیریت منابع انسانی، سیاست‌ها و حمایت‌های دولتی، زیرساخت‌های اساسی (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، بازار). این مدل تک‌تک فعالیت‌های موجود در فرایند کارآفرینی و چگونگی ارتباط و تعامل آنها با یکدیگر را به‌خوبی روشن می‌سازد. به این ترتیب، هم وظیفه کارآفرین و هم نهادهای پشتیبان و برنامه‌ریز در هر مرحله مشخص می‌گردد. به علاوه، زبان و درک مشترکی بین تمامی افراد، اعم از کارآفرین و مجموعه پشتیبان، به وجود می‌آورد (امینی و همکاران، ۱۳۸۹).

از آنجا که زنجیره ارزش برای بنگاه‌های مختلف متفاوت است (غفاری داراب و همکاران، ۱۳۹۳)، لذا مجموعه حوزه‌های کاری تشکیل‌دهنده زنجیره ارزش در بنگاه‌های مختلف تأثیرات متفاوتی بر ارزش و توان رقابتی و اجرایی ایجادشده به جا می‌گذارند. بر همین اساس، پژوهش حاضر به ارزیابی و آسیب‌شناسی ابعاد زنجیره ارزش در تعاونی‌های روستایی، به‌عنوان عمده کسب‌وکارهای روستایی، پرداخت.



شکل ۱. مدل زنجیره ارزش کارآفرینی (احمد امینی و همکاران، ۱۳۸۹)

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی بوده است. در این پژوهش، جامعه و نمونه آماری در دو بخش گروه تصمیم شامل متخصصان و صاحب‌نظران حیطه زنجیره ارزش در بین تعاونی‌ها و کسب‌وکارهای روستایی به تعداد ۱۵ نفر و ۱۴۵ فعال بخش تعاون روستایی با رویکرد تمام‌شماری انتخاب شدند.

با مرور ادبیات در حوزه زنجیره ارزش براساس مدل پورتر، ابعاد و شاخص‌های این زنجیره شناسایی شدند که به دلیل تعددشان، در نهایت، از طریق انجام مصاحبه با صاحب‌نظران، ۵ بعد (آموزشی، خدمات مشاوره‌ای، منابع مالی، منابع انسانی و سیاست‌ها و حمایت‌های دولتی) و ۵۲ شاخص انتخاب شدند. سپس پرسش‌نامه محقق‌ساخته (ماتریس تصمیم‌گیری) تهیه شد. روایی پرسش‌نامه توسط استادان دانشگاه و تعدادی از متخصصان تعاونی‌های روستایی تأیید گردید. سپس با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی فازی به وزن‌دهی معیارها و زیرمعیارهای موجود در حیطه زنجیره ارزش پرداخته شد. از دو معیار برای انتخاب فعالان بهره گرفته شد: اولاً افراد شناسایی شده دارای تجربیات میدانی در زمینه تعاونی بودند و دیگر اینکه موفقیت تعاونی توسط ادارات مرتبط از جمله اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی و اداره صنعت، معدن و تجارت احراز شده بود. در این مرحله، از روش‌های نمونه‌گیری ملاک‌محور بهره گرفته شد. در ادامه، از مشارکت‌کنندگان در پژوهش خواسته شد که به انجام مقایسات زوجی در سطح معیارها و زیرمعیارها بپردازند سپس جهت محاسبه اعداد فازی از روش ليو و کانگ (Liu & Kong, 2005, 408) بهره گرفته شد.

مراحل تاپسیس فازی به شرح زیر است (Lu et al., 2007):

۱. تعیین وزن معیارها و زیرمعیارها: در این مرحله، بعد از تعیین معیارهای اصلی

(F_i (F_1, F_2, \dots, F_n) و زیرمعیارهای (C_j (C_1, C_2, \dots, C_m), وزن آنها یعنی W_{F_i} و W_{C_j}

تعیین می‌شود.

۲. تعیین اهمیت نسبی فازی هر گزینه نسبت به هر زیرمعیار: گزینه‌های $A_i (A_1, A_2, \dots, A_k)$ نسبت به هر یک از معیارهای $C_j (C_1, C_2, \dots, C_m)$ ارزیابی و در نهایت، اهمیت نسبی فازی آنها یعنی AC_{ij}^1 تعیین می‌شود.

۳. از آنجاکه زیرمعیارهای مختلف ممکن است ارزش‌های متفاوتی (مثبت یا منفی) داشته باشند، لازم است قبل از به کارگیری آنها بی‌مقیاس شوند؛ به عبارت دیگر، زیرمعیارهای مثبت با بالاترین مقدار باید بیشترین رتبه، و معیارهای منفی با بیشترین مقدار باید کمترین رتبه را داشته باشند. به منظور بی‌مقیاس‌سازی فازی اهمیت نسبی زیرمعیارها از فرمول زیر استفاده شد:

$$u_{ij}, m_{ij} = (I_{ij} AC_{ij}^1)$$

در ماتریس مقایسه‌ای، که توسط ساعتی ارائه شده است، مقایسه معیارها بر مبنای مقیاس ۱ تا ۹ انجام می‌شود. در جدول ۱، ماتریس این مقیاس‌ها ملاحظه می‌شود. در این ماتریس، A اهمیت وزنی زیرمعیار i را نسبت به معیار W_j ام و الی آخر نشان می‌دهد.

$$A = \begin{bmatrix} \frac{w_1}{w_1} & \frac{w_2}{w_1} & \dots & \frac{w_n}{w_1} \\ \frac{w_1}{w_2} & \frac{w_2}{w_2} & \dots & \frac{w_n}{w_2} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ \frac{w_1}{w_n} & \frac{w_2}{w_n} & \dots & \frac{w_n}{w_n} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} a_{11} & a_{12} & \dots & a_{1n} \\ a_{21} & a_{22} & \dots & a_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ a_{n1} & a_{n2} & \dots & a_{nn} \end{bmatrix}$$

جدول ۱. مقیاس ساعتی برای مقایسه‌های زوجی

مقیاس ساعتی	اهمیت نسبی دو زیر عنصر نسبت به هم
۱	اهمیت یکسان
۳	کمی بااهمیت
۵	اهمیت زیاد
۷	اهمیت خیلی زیاد
۹	کاملاً بااهمیت
۲،۴،۶،۸	ترجیحات بین فواصل فوق

مأخذ: لیو و کانگ (۲۰۰۵)

تفاوت ماتریس مقایسه فازی- که توسط لیو و کانگ ارائه شده است- با ماتریس ساعتی در آن است که به جای استفاده از مقیاس ۱ تا ۹ از مقیاس‌های عضویت استفاده می‌شود.

$$A' = \begin{bmatrix} \frac{w_1}{w_1+w_2} & \frac{w_1}{w_1+w_3} & \dots & \frac{w_1}{w_1+w_n} \\ \frac{w_2}{w_1+w_2} & \frac{w_2}{w_2+w_3} & \dots & \frac{w_2}{w_2+w_n} \\ \frac{w_3}{w_1+w_3} & \frac{w_3}{w_2+w_3} & \dots & \frac{w_3}{w_3+w_n} \\ \dots & \dots & \dots & \dots \\ \frac{w_n}{w_1+w_n} & \frac{w_n}{w_2+w_n} & \dots & \frac{w_n}{w_3+w_n} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} r_{11} & r_{12} & \dots & r_{1n} \\ r_{21} & r_{22} & \dots & r_{2n} \\ r_{31} & r_{32} & \dots & r_{3n} \\ \dots & \dots & \dots & \dots \\ r_{n1} & r_{n2} & \dots & r_{nn} \end{bmatrix}$$

اگر این ماتریس مقایسه سازگار باشد، رابطه زیر برقرار خواهد بود:

$$r^{rii} - 0.5r_{ii} + r_{ii} - 1 \frac{1}{r_{ii}} - 1 \left(\frac{1}{r_{ii}} - 1 \right) * \left(\frac{1}{r_{ii}} - 1 \right)$$

اگر بخواهیم معنای توابع عضویت را همانند مقیاس ساعتی بیان کنیم، جدول زیر ملاک عمل خواهد بود:

جدول ۲. مقیاسی برای مقایسات زوجی فازی

مقادیر مقیاس	اهمیت نسبی دو زیر عنصر به هم
۰/۵	اهمیت یکسان
۰/۵۵-۰/۶	کمی بااهمیت
۰/۶-۰/۷	مهم
۰/۷-۰/۸	اهمیت زیاد
۰/۸-۰/۹	اهمیت خیلی زیاد
۰/۹-۱	کاملاً بااهمیت

مأخذ: لیو و کانگ (۲۰۰۵)

پس از تبدیل مقیاس ساعتی به اعداد فازی با استفاده از فرمول $R_{ij} = \frac{a_{ij}}{a_{ij}+1}$ ، مقیاس‌های عضویت برای هریک از معیارها و زیرمعیارها محاسبه شد. همان طور که در جدول‌ها

مشاهده می‌شود، دامنه تمامی توابع عضویت محاسبه‌شده در محدوده ۰ و ۱ قرار دارد. در ادامه، به منظور محاسبه و اولویت‌بندی وزن‌ها، از فرمول‌های زیر بهره گرفته شد:

$$w = (w_1 + w_2, \dots, w_n)$$

در جایی که bi مساوی با فرمول زیر است:

$$bi = \left[\sum_{i=1}^n \frac{1}{rij} \right] - n$$

همچنین به منظور آزمون نرخ سازگاری ماتریس مقایسه از معادلات زیر استفاده شد:

$$CR = \frac{CI}{RI} < 0.1 \quad CI = \sum_{i=1}^n \frac{(AW)_i}{nw_i}$$

مقادیر متفاوت RI در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. اندازه ماتریس و مقدار ثابت نرخ سازگاری

اندازه ماتریس	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
RI	۰	۰	۰/۵۹	۰/۹۱	۱/۱۳	۱/۲۳	۱/۳۱	۱/۴۲	۱/۳۵

نتایج و بحث

نتایج نشان داد که ۸۱٪ جامعه آماری را مردان و ۱۸٪ بقیه را زنان تشکیل دادند. ۷۰٪/۴ پاسخگویان مدرک لیسانس، ۷۲٪/۲ فوق لیسانس و ۲۴٪/۴ دکتری داشتند. بررسی حوزه فعالیت این افراد نشان داد که ۲۵٪/۶ در حیطه کشاورزی، ۶۴٪/۴ در حیطه دامپروری و ۱۸٪ در بخش خدمات مشغول به فعالیت بودند.

برای پاسخ به این سؤال که آیا میزان تأثیر ۵ دسته موانع مربوط به زنجیره ارزش کارآفرینی یکسان است؟ از تحلیل واریانس و توزیع فیشر استفاده گردید که نتایج در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس یکسان بودن تأثیر موانع زنجیره ارزش کسب‌وکارهای تعاونی روستایی

ردیف	موانع	آماره آزمون (F)	df	Sig
۱	نبود سازوکار صحیح تأمین منابع مالی	۳/۲۰۸	۵	۰/۰۰۳۴
۲	عدم سیاست‌گذاری و نبود حمایت‌های صحیح دولتی			
۳	عدم آموزش مهارت‌های کارآفرینی			
۴	عدم مدیریت منابع انسانی			
۵	ضعف مشاوره تخصصی در زمینه کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکار روستایی			

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر پایه نتایج (آسیب‌شناسی زنجیره ارزش کارآفرینی)، اختلاف معناداری بین موانع این زنجیره وجود دارد و می‌توان گفت تأثیر هر یک از آنها یکسان نیست و باید میزان این تأثیر بررسی و سپس رتبه‌بندی انجام شود. در این پژوهش، برای رتبه‌بندی موانع و شرایط مسئله از تکنیک تاپسیس فازی استفاده شد که نتایج نشان داد از نظر فعالان بخش تعاون استان، به ترتیب نبود سازوکار صحیح تأمین منابع مالی برای کارآفرینان تعاون روستایی، عدم سیاست‌گذاری و نبود حمایت‌های صحیح دولتی از کارآفرینان تعاون روستایی، عدم آموزش مهارت‌های کارآفرینی به اعضای تعاونی‌های روستایی، عدم مدیریت منابع انسانی در بخش کارآفرینی تعاون روستایی و ضعف مشاوره تخصصی در زمینه کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکار روستایی مهم‌ترین موانع و عوامل ایجاد اختلال در زنجیره ارزش کارآفرینی در تعاونی‌های روستایی می‌باشند (جدول ۵).

جدول ۵. رتبه‌بندی موانع زنجیره ارزش در کسب‌وکارهای تعاونی روستایی براساس دیدگاه فعالان بخش

رتبه	Ci	فاصله با ایده‌آل منفی	فاصله با ایده‌آل مثبت	موانع
۱	۰/۵۶۸	۰/۱۷	۰/۱۲	نبود سازوکار صحیح تأمین منابع مالی برای کسب‌وکارهای تعاونی روستایی
۲	۰/۵۴۲	۰/۱۸	۰/۱۵	عدم سیاست‌گذاری و نبود حمایت‌های صحیح دولتی
۳	۰/۵۱۷	۰/۱۶	۰/۱۴	عدم آموزش مهارت‌های کارآفرینی
۴	۰/۴۹۱	۰/۲۰	۰/۱۸	عدم مدیریت منابع انسانی
۵	۰/۴۸۷	۰/۲۱	۰/۱۹	ضعف مشاوره تخصصی در زمینه کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکار روستایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۶ رتبه‌بندی موانع بعد آموزشی زنجیره ارزش در کسب‌وکارها و کارآفرینان تعاونی‌های روستایی را با استفاده از روش تاپسیس فازی نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود ضعف ارتباطات کلامی و نبود مهارت‌های نوشتاری در بین کارآفرینان به ترتیب، در اولویت‌های اول و آخر قرار دارند.

جدول ۶. رتبه‌بندی موانع بعد آموزشی زنجیره ارزش در کسب‌وکارهای تعاونی روستایی از دیدگاه فعالان بخش

رتبه	Ci	فاصله با		موانع
		ایده‌آل منفی	ایده‌آل مثبت	
۱	۰/۵۷۱	۰/۲۳	۰/۱۸	ضعف ارتباطات کلامی میان کارآفرینان
۲	۰/۵۳۱	۰/۱۸	۰/۲۲	ضعف برنامه‌ریزی و تعیین اهداف در تعاونی‌ها
۳	۰/۵۰۱	۰/۱۷	۰/۲۳	نبود قدرت تصمیم‌گیری میان کارآفرینان
۴	۰/۴۸۱	۰/۲۱	۰/۲۴	ضعف قدرت رهبری آینده‌نگر میان کارآفرینان
۵	۰/۴۵۶	۰/۱۹	۰/۲۴	ضعف قدرت مذاکره میان کارآفرینان
۶	۰/۴۴۷	۰/۲۳	۰/۱۹	نبود کنترل و نظم درونی میان کارآفرینان
۷	۰/۴۴۵	۰/۱۵	۰/۱۸	نبود تعامل با محیط کار میان کارآفرینان
۸	۰/۳۴۲	۰/۱۳	۰/۱۷	پایین بودن سطح فناوری میان کارآفرینان
۹	۰/۳۳۷	۰/۱۶	۰/۲۱	نبود پشتکار میان کارآفرینان
۱۰	۰/۳۳۴	۰/۱۷	۰/۲۳	پایین بودن ریسک تغییرمحوری در کارآفرینان
۱۱	۰/۳۳۱	۰/۲۱	۰/۱۹	ضعف توانایی مدیریت تغییرات میان کارآفرینان
۱۲	۰/۳۲۸	۰/۲۴	۰/۱۶	کمبود خطرپذیری در کارآفرینان
۱۳	۰/۳۲۱	۰/۱۹	۰/۱۲	نبود مهارت‌های نوشتاری در بین کارآفرینان

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۷ رتبه‌بندی موانع بعد خدمات مشاوره‌ای زنجیره ارزش در کسب‌وکارها و کارآفرینان تعاونی‌های روستایی را با استفاده از روش تاپسیس فازی نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود ضعف مشاوره در زمینه استفاده بهینه از فناوری در کسب‌وکارهای تعاونی روستایی و ضعف مشاوره و هدایت افراد دارای فکرهای اقتصادی و نوآورانه به ترتیب، در اولویت‌های اول و آخر قرار دارند.

جدول ۷. رتبه‌بندی موانع بعد خدمات مشاوره‌ای زنجیره ارزش در کسب‌وکارهای تعاونی روستایی
از نظر فعالان بخش

رتبه	Ci	فاصله با ایده‌آل منفی	فاصله با ایده‌آل مثبت	موانع
۱	۰/۵۱۲	۰/۲۴	۰/۱۹	ضعف مشاوره در زمینه استفاده بهینه از فناوری در کسب‌وکارها
۲	۰/۵۰۱	۰/۱۹	۰/۲۱	ضعف مشاوره جهت تهیه برنامه‌های بازاریابی برای محصولات کارآفرینان
۳	۰/۴۸۶	۰/۱۹	۰/۲۴	نبود مشاوره در زمینه تسهیل امر صادرات کالا و خدمات برای کارآفرینان
۵	۰/۴۳۱	۰/۲۰	۰/۲۳	نبود مشاوره در زمینه انواع خدمات بیمه کسب‌وکار برای کارآفرینان
۶	۰/۴۱۱	۰/۲۲	۰/۱۷	نبود مشاوره و ارائه خدمات حقوقی در زمینه ثبت مارک تجاری
۷	۰/۴۰۸	۰/۱۹	۰/۱۹	ناآشنایی با موارد قانونی مرتبط با تعرفه‌های گمرکی
۸	۰/۳۹۱	۰/۱۴	۰/۱۶	ضعف مشاوره در زمینه روش‌های تأمین مالی برای شروع کسب‌وکارها
۹	۰/۳۷۲	۰/۱۷	۰/۲۲	ضعف مشاوره در زمینه جذب نیروی انسانی
۱۰	۰/۳۵۲	۰/۱۸	۰/۲۲	ضعف مشاوره در زمینه قوانین و قراردادهای استخدامی
۱۱	۰/۳۳۱	۰/۲۰	۰/۲۱	ضعف مشاوره روان‌شناسی در زمینه روحیات کارآفرینی
۱۲	۰/۳۲۱	۰/۲۱	۰/۱۸	ضعف مشاوره و هدایت افراد دارای فکرهای اقتصادی و نوآورانه

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۸ رتبه‌بندی موانع بعد منابع مالی زنجیره ارزش در کسب‌وکارها و کارآفرینان تعاونی‌های روستایی را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود بالا بودن نرخ سود تسهیلات بانک‌ها و همکاری و شراکت مالی پایین دوستان و بستگان به ترتیب، در اولویت‌های اول و آخر قرار دارند.

جدول ۸. رتبه‌بندی موانع بعد منابع مالی زنجیره ارزش در کسب و کارهای تعاونی روستایی از دیدگاه فعالان

رتبه	Ci	فاصله با ایده آل منفی	فاصله با ایده آل مثبت	موانع
۱	۰/۵۱۲	۰/۲۴	۰/۱۹	بالا بودن نرخ سود تسهیلات بانکها
۲	۰/۵۰۱	۰/۱۹	۰/۲۱	بالا بودن نرخ سود تسهیلات وام‌دهندگان خصوصی
۳	۰/۴۸۶	۰/۱۹	۰/۲۴	بالا بودن سود عرضه‌کننده تجهیزات
۴	۰/۴۶۱	۰/۲۳	۰/۲۲	وجود دیوان‌سالاری جهت اخذ وام از کارگزاران
۵	۰/۴۳۱	۰/۲۰	۰/۲۳	نبود ثبات سهام جهت اخذ سرمایه برای کارآفرینان
۶	۰/۴۱۱	۰/۲۲	۰/۱۷	نبود کارگزاری‌ها و شرکت‌های بیمه جهت حمایت از کارآفرینان
۷	۰/۴۰۸	۰/۱۹	۰/۱۹	کمبود شرکت‌های خصوص معتبر جهت اخذ سرمایه برای کارآفرینان
۸	۰/۳۹۱	۰/۱۴	۰/۱۶	کمبود اوراق قرضه در زمینه کشاورزی
۹	۰/۳۷۲	۰/۱۷	۰/۲۲	کمبود منابع شخصی (پس انداز) کارآفرینان
۱۰	۰/۳۵۲	۰/۱۸	۰/۲۲	همکاری و شراکت مالی پایین دوستان و بستگان

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۹ رتبه‌بندی موانع بعد منابع انسانی زنجیره ارزش در کسب و کارها و کارآفرینان تعاونی‌های روستایی را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود ضعف در تجزیه و تحلیل شغل برای کارآفرینان و ضعف مدیریت حقوق و دستمزد به ترتیب، در اولویت‌های اول و آخر قرار دارند.

جدول ۹. رتبه‌بندی موانع بعد منابع انسانی زنجیره ارزش در کسب و کارهای تعاونی روستایی از نظر فعالان

رتبه	Ci	فاصله با ایده آل منفی	فاصله با ایده آل مثبت	موانع
۱	۰/۵۶۲	۰/۲۴	۰/۲۱	ضعف در تجزیه و تحلیل شغل برای کارآفرینان
۲	۰/۵۲۱	۰/۱۸	۰/۲۳	کمبود برنامه‌ریزی منابع انسانی و کارمندیابی برای کارآفرینان
۳	۰/۴۱۶	۰/۲۰	۰/۲۱	عدم گزینش داوطلبان واجد شرایط برای کارآفرینان (ایجاد رانت)
۴	۰/۴۰۱	۰/۲۱	۰/۲۴	ضعف برنامه توسعه نیروی انسانی و آموزش کارآفرینان
۵	۰/۳۹۱	۰/۲۳	۰/۲۲	ضعف آموزش به کارکنان تازه‌استخدام
۶	۰/۳۸۵	۰/۲۰	۰/۱۹	نبود انگیزه و شوق در کارکنان برای فعالیت در بخش روستایی
۷	۰/۳۷۸	۰/۱۸	۰/۲۰	ضعف در برقراری ارتباط با کارکنان
۸	۰/۳۶۴	۰/۱۵	۰/۱۷	ضعف مدیریت حقوق و دستمزد

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۱۰ رتبه‌بندی موانع بعد منابع انسانی زنجیره ارزش در کسب‌وکارها و کارآفرینان تعاونی‌های روستایی را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود ضعف فرهنگ‌سازی و ترویج روحیه کارآفرینی در جامعه و پایین بودن میزان رشد مراکز تخصصی پژوهشی در عرصه کارآفرینی روستایی به ترتیب، در اولویت‌های اول و آخر قرار دارند.

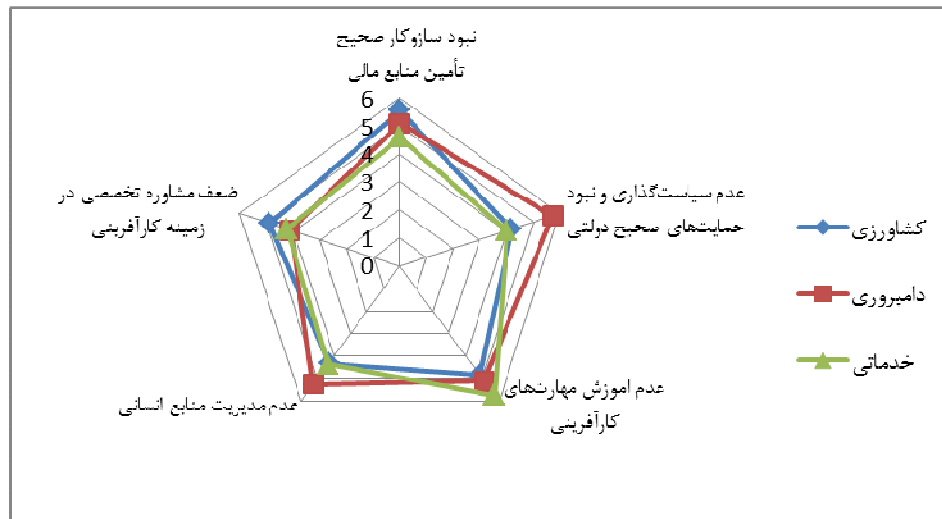
جدول ۱۰. رتبه‌بندی موانع بعد سیاست‌ها و حمایت‌های دولتی زنجیره ارزش در کسب‌وکارهای

تعاونی روستایی از نظر فعالان

رتبه	Ci	فاصله با ایده‌آل منفی	فاصله با ایده‌آل مثبت	موانع
۱	۰/۵۶۸	۰/۱۶	۰/۱۲	ضعف فرهنگ‌سازی و ترویج روحیه کارآفرینی در جامعه
۲	۰/۵۴۲	۰/۱۷	۰/۱۵	عدم اصلاحات ساختاری و نهادسازی کافی در عرصه کارآفرینی در کشور
۳	۰/۵۱۷	۰/۱۳	۰/۱۴	کمبود آموزش‌های دولتی و از راه دور و رسانه
۴	۰/۴۸۷	۰/۱۲	۰/۱۷	پایین بودن میزان رشد مراکز تخصصی پژوهشی در عرصه کارآفرینی روستایی

مآخذ: یافته‌های پژوهش

شکل ۲ (نمودار عنکبوتی) نتایج موانع کسب‌وکارهای تعاونی روستایی بخش را بر اساس حیطة فعالیت کارآفرینان نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که فعالان بخش خدمات عدم آموزش مهارت‌های کارآفرینی، فعالان دامپروری عدم سیاست‌های حمایتی دولت و فعالان بخش کشاورزی نبود مشاوران متخصص و نبود منابع مالی را از مهم‌ترین موانع کارآفرینی روستایی می‌دانند.



شکل ۱. مقایسه موانع زنجیره ارزش در بین کارآفرینان بر اساس حیطه فعالیت آنها

نتیجه گیری و پیشنهادها

نتایج نشان داد اکثر پاسخگویان مرد بودند و این خود زنگ خطری برای مسئولان امر می‌باشد، چراکه تعداد زنان کارآفرین روستایی و کشاورزی در سطح استان کم است. اولویت‌بندی موانع زنجیره ارزش نشان داد از نظر فعالان بخش تعاون استان، به ترتیب نبود سازوکار صحیح تأمین منابع مالی برای کارآفرینان تعاون روستایی، عدم سیاست‌گذاری و نبود حمایت‌های صحیح دولتی از کارآفرینان تعاون روستایی، عدم آموزش مهارت‌های کارآفرینی به اعضای تعاونی‌های روستایی، عدم مدیریت منابع انسانی در بخش کارآفرینی تعاون روستایی و ضعف مشاوره تخصصی در زمینه کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکار روستایی مهم‌ترین موانع و عوامل ایجاد اختلال در زنجیره ارزش کارآفرینی در تعاونی‌های روستایی می‌باشند. با توجه به این یافته مشخص می‌شود که دولت و مسئولان و حتی بخش خصوصی آنچنان که باید و شاید از کارآفرینان عرصه روستایی و کشاورزی حمایت نمی‌کنند و در تأمین منابع مالی با مشکلات جدی روبه رو هستیم. کارآفرینان زمانی می‌توانند در عرصه کسب‌وکار تعاونی موفق باشند که از چتر

حمایتی دولت و بخش‌های خصوصی و غیردولتی برخوردار باشند. این یافته با نظرات بیتزینس و نیتو (Bitzenis & Nito, 2008)، هولدن و همکاران (Holden et al., 2009) و مطیعی لنگرودی و همکاران (۱۳۹۱) همسو می‌باشد.

یکی از موانع مهم زنجیره ارزش از نظر فعالان بخش تعاون عدم آموزش مهارت‌های کارآفرینی بود. مطالعات بسیاری نیز نشان داده‌اند که آموزش دانش و مهارت‌های کارآفرینانه بر افزایش نرخ راه‌اندازی و رشد بنگاه‌های اقتصادی اثر مستقیم و مثبت دارد و باعث توسعه اقتصادی و بهبود کمی و کیفی بنیان‌گذاران کسب و کارهای جدید خواهد شد (رضائی و همکاران، ۱۳۹۰). چنین آموزش‌هایی توانسته است افراد را مسئولیت‌پذیرتر به بار آورد و آنها را تبدیل به کارآفرینان یا متفکران حوزه کارآفرینی و در چالش‌های کسب‌وکار، موفق و خطرپذیر کند (فراهانی و همکاران، ۱۳۹۳). فراهم نمودن بسترهای آموزش کارآفرینی برای افراد قبل و بعد از راه‌اندازی کسب‌وکارهای کارآفرینانه می‌تواند در موفقیت و استمرار این کسب‌وکارها در کشور تأثیر مستقیم و بسزایی داشته باشد. نتایج مطالعات بیتزینس و نیتو (۲۰۰۸)، هولدن و همکاران (۲۰۰۹) نیز بر اهمیت آموزش مهارت‌های کارآفرینی صحنه می‌گذارد. در حیطه آموزش نتایج نشان داد که ضعف ارتباطات شفاهی و کلامی، ضعف برنامه‌ریزی و تعیین اهداف، نبود قدرت تصمیم‌گیری، ضعف قدرت رهبری آینده‌نگر، و نداشتن قدرت مذاکره از مهم‌ترین عوامل و موانع مؤثر بر ضعف آموزش کارآفرینی روستایی بودند که با برنامه‌ریزی‌های مدون و مبتنی بر هدف می‌توان این ضعف‌ها را کاهش داد به طوری که اندیشمندانی مانند آندوپولو (Anthopoulou, 2010) معتقدند کارآفرینان روستایی با ویژگی‌هایی از قبیل درون‌گرایی، انعطاف‌ناپذیری و مقاومت در برابر تغییر، مایل به ریسک کردن در قالب فعالیت‌های کارآفرینی نیستند و غالباً شیوه زندگی سنتی و معیشتی را که مانع نوآوری و خلاقیت و کارآفرینی می‌شود ترجیح می‌دهند. لذا این مقاومت را باید از طریق آموزش‌های مشارکتی و کارگاه‌های آموزشی از میان برداشت.

در حیطه کمبود مشاوره‌های تخصصی در زمینه کارآفرینی روستایی، موانعی همچون کمبود مشاوره در زمینه استفاده بهینه از فناوری در کسب‌وکار، ضعف مشاوره جهت تهیه

برنامه‌های بازاریابی محصول، نبود مشاوره در زمینه تسهیل امر صادرات کالا و خدمات، نبود مشاوره در مورد انواع خدمات بیمه کسب‌وکار در ایران، و نبود مشاوره و ارائه خدمات حقوقی در زمینه ثبت مارک تجاری از مهم‌ترین عوامل و موانع مؤثر بر ضعف آموزش کارآفرینی از دیدگاه فعالان بخش تعاونی روستایی بودند. شادمانی و کرمی (۱۳۸۹) معتقدند کارآفرینان به ارتباطات داخلی که جریان کالاها، خدمات، اطلاعات و ایده‌ها را ممکن می‌سازد، چندان وابسته نیستند.

در بعد تأمین منابع مالی، موانع عبارت بودند از: بالا بودن نرخ سود تسهیلات بانکی، بالا بودن نرخ سود وام دهندگان خصوصی، بالا بودن سود عرضه کننده تجهیزات به کارآفرینان روستایی، وجود دیوان‌سالاری فراوان جهت اخذ وام از کارگزاران و نبود ثبات سهام جهت اخذ سرمایه و غیره. ادلی‌جاو (Adelaja, 2015) نیز مشکلات عمده کارآفرینی روستایی را در ۷ عامل دسته‌بندی کرد که مهم‌ترین آنها در دسترس نبودن منابع مالی و محیط نهادینه نامناسب بود. کریمی و همکاران (Karimi et al., 2014) هم ضعف مالی و کمبود نقدینگی بنگاه‌های کارآفرین را از مهم‌ترین چالش‌های توسعه کارآفرینی روستایی در کسب‌وکارهای تعاونی می‌دانند.

در بخش منابع انسانی موانع عبارت بودند از: کمبود تجزیه و تحلیل شغل، کمبود برنامه‌ریزی منابع انسانی و کارمندیابی، ضعف گزینش داوطلبان واجد شرایط (رانت) و ضعف برنامه توسعه نیروی انسانی و آموزش و غیره. آندوپولو (Anthopoulou, 2010)، ردون و اسکوبار (Reardon & Escobar, 2008) و کلین و فورس (Kelin & Foss, 2009) اعتقاد دارند موانع ساختاری و سیستم‌های سازمانی فرسوده، فناوری فرسوده سازمانی، نیروی کار و محیط فرسوده از موانع پیش روی کارآفرینان هستند.

در بخش سیاست‌ها و حمایت‌های دولتی موانعی چون ضعف فرهنگ‌سازی و ترویج روحیه کارآفرینی، کمبود اصلاحات ساختاری و نهادسازی در عرصه کارآفرینی، کمبود آموزش‌های دولتی و ازراه‌دور و رسانه و کمبود مراکز رشد و فناوری وجود داشتند. رضائی و همکاران (۱۳۹۱) معتقدند سیاست‌های حمایتی دولت برای توسعه کارآفرینی و حمایت بانک‌ها و مؤسسات مالی از ملزومات توسعه کارآفرینی است.

- در پایان، بر اساس نتایج تحقیق حاضر، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد:
۱. اعطای معافیت‌های مالیاتی، ایجاد ثبات در سیاست‌های دولت در بخش تعاون، به‌ویژه تعاونی روستایی، و تصویب سیاست‌های دولت در جهت حمایت از توسعه کسب‌وکارهای تعاونی روستایی
 ۲. ارتقای سطح مهارت‌های عمومی مدیریتی در مدیران تعاونی‌های روستایی از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی، ارتقای مهارت‌های ارتباطی اعضا و مدیران از طریق برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی
 ۳. تقویت و ایجاد انگیزه و علاقه به کارآفرینی در روستاییان، ایجاد روحیه کارآفرینی سازمانی در بین اعضای تعاونی‌های روستایی، ترغیب اعضا به گروه‌سازی در دل تعاونی‌های روستایی جهت اقدام به کارآفرینی، تقویت خودباوری و اعتماد به نفس اعضای تعاونی‌ها
 ۴. اعطای تسهیلات مالی کم‌بهره جهت ارتقای کیفیت تولیدات، افزایش بهره‌وری، رفع نیازهای نقدینگی، خرید مواد اولیه و صادرات تولیدات و حمایت از کسب‌وکارهای تعاونی روستایی
 ۵. ارائه خدمات مشاوره مدیریت و بازاریابی و مشاوره حقوقی؛ ارائه خدماتی چون اطلاع‌رسانی فنی و تجاری، اطلاع‌رسانی مدیریتی و معرفی فناوری‌های جدید به کسب‌وکارهای تعاونی روستایی
 ۶. افزایش تعاملات با مراکز تحقیق، دفاتر کارآفرینی، دانشگاه‌ها، مراکز ترویجی و سایر مؤسسات پژوهشی و تخصصی در حیطه تعاونی‌های روستایی
 ۷. تقویت آموزش‌های مربوط به سطوح مدیریت، استانداردکردن محصولات و خدمات، کنترل کیفی محصولات، آموزش‌های بازاریابی و صادرات، روش‌های تأمین سرمایه و آموزش مقررات تجاری و مالی، توجه به آموزش اعضا و پویایی دوره‌ها، و آموزش مهارت‌های کارآفرینانه به اعضای تعاونی‌های روستایی.

منابع

- آذر، ع.، خداداد، ح. حمید، ک. و اسدالله، م. (۱۳۹۲). طراحی الگوی مفهومی ارزیابی عملکرد راهبردی: مبتنی بر زنجیره ارزش آفرینی راهبردی پویا. فصلنامه چشم‌انداز مدیریت بازرگانی، ۱۴(۲۳)، ۱۱۵-۱۳۵.
- امینی، ا.، امانی تهران، م. و ابراهیم سقرچی، م. (۱۳۸۹). شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی با رویکرد زنجیره ارزش، فصلنامه توسعه تکنولوژی صنعتی، ۲(۱۴)، ۳۶-۴۷.
- برازنده مقدم، ف. (۱۳۸۸). نحوه تعامل با دستگاه‌های اجرایی مرتبط با تعاونی‌های زنان. مجموعه مقالات اولین نشست تعاونی‌های زنان. مرکز انتشارات سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران. ص ۶۱.
- بهنود، م. (۱۳۸۸). واحدهای اعتباری؛ راهکاری جهت جلب مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی در تعاونیها. مجموعه مقالات اولین نشست تعاونی‌های زنان. آبان ماه ۱۳۸۸. ص ۷۵.
- حسنی، ح. (۱۳۹۲). حقوق تعاون و حقوق تجارت. چاپ دوم. تهران: نشر میزان.
- حسین زاده، ا. (۱۳۹۴). تحلیل مدل زنجیره ارزش صنوبر در استان آذربایجان غربی با هدف بهسازی آن. مجله صنایع چوب و کاغذ ایران، ۶(۱)، ۴۱-۵۲.
- رضائی، ر.، قلی فر، ا. و صفا، ل. (۱۳۹۰). بررسی و تحلیل موانع توسعه کارآفرینی در تعاونی‌های دهیاری استان زنجان. اولین همایش دانش محوری در مدیریت پایدار علوم کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی، گرگان، ۳۰-۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۰، ص ۶۸.
- رضائی، ر.، قلی فر، ا.، صفا، ل. و کاظمی، م. (۱۳۹۲). شناسایی موانع توسعه کارآفرینی شرکتی در شرکتهای خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی استان زنجان. فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۳(۱۴)، ۲۴-۴۴.

شادمانی، ک. و کرمی، س. (۱۳۸۹). بررسی موانع کارآفرینی سازمانی در شرکت‌های دولتی و ارایه راهکارهایی جهت رفع آنها. اولین کنفرانس سالانه مدیریت، نوآوری و کارآفرینی، شیراز، ۲۷ - ۲۸ بهمن ۱۳۹۰، ص، ۱۰۷.

صرافی زاده، ا. و محمدزاده اصلی چاوش، ج. (۱۳۸۹). تأثیر فناوری اطلاعات در کارایی زنجیره ارزش تعاونیها، مطالعه موردی تعاونیهای تولیدی- صنعتی شهرستان ارومیه. فصلنامه تعاون و کشاورزی، ۶(۲۱)، ۳۵-۵۱.

غفاری داراب، م.، یارمحمدیان، م.ح.، خراسانی، ا. و علاقمندان، ح. (۱۳۹۳). نقش زنجیره ارزش در ارتقای کیفیت خدمات سلامت. مدیریت اطلاعات سلامت، ۶(۴۰)، ۷۹۹-۸۱۱.

فراهانی، ح.، رسولی نیا، ز. و اصدقی سراسکانرود، ز. (۱۳۹۳). عوامل اثرگذار بر رشد کارآفرینی در نواحی روستایی، مورد: دهستان جابرائصار در شهرستان آبدانان. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۳(۹)، ۱-۱۶.

مطیعی لنگرودی، س.، قدیری معصوم، م.، دادورخانی، ف. و ترکاشوند، ز. (۱۳۹۱). تبیین عوامل موثر بر توانمندسازی روستاییان در توسعه کارآفرینی (مطالعه موردی: بخشهای رزند و سامن شهرستان ملایر). مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۹(۵۰)، ۱۲-۳۴.

منصوری، س. و ریاضی، ک. (۱۳۹۲). بررسی مدل‌های زنجیره ارزش در صنعت آموزش الکترونیکی و ارائه مدل بهینه (مطالعه موردی: یکی از دانشگاه‌های تهران). فصلنامه مدیریت اطلاعات، ۵(۳)، ۱۹۱-۲۰۲.

یعقوبی‌فرانی، ا.، سلیمانی، ع. و موحدی، ر. (۱۳۹۳). تحلیل عوامل موثر بر کارآفرینی زنان روستایی. فصلنامه مطالعات زنان، ۱۲(۴)، ۷-۴۲.

Adelaja, S. (2015). Enabling innovation in Michigan agriculture; A viable agriculture report. east Lansing: MSU Land Policy Institute. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 10(4), 372-382.

- Anthopoulou, T. (2010). Rural women in local agrofood production: between Entrepreneurial Initiatives and family strategies, a case study in Greece. *Journal of Rural Studies*, 26 (4), 394-403.
- Arbabi, F., Mirdamadi, M., & Lashgarara, F. (2015). Marketing challenges of agricultural products from the perspective of rural cooperatives in Qom province. *International Journal of Review in Life Sciences*, 5(2), 59-62
- Bitzenis, A., & Nito, E. (2008). Obstacles to entrepreneurship in a transitionbusiness environment: the case of Albania. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 12 (4), 564- 578.
- Dahlstrand, A.L. (2007).Technology-based entrepreneurship and regional development: the case of Sweden. *European Business Review*, 19(5), 73–86.
- Driga, O., Lafuente, E., & Vaillant, Y. (2009). Reasons behind the relatively lower entrepreneurial activity levels of rural women: looking in to rural Spain. *Sociologia Ruralis*, 49(1), 70-96.
- Hassan, R.M., & Kong, R. (2016). Factors influencing entrepreneurship: acomparative analysis among farmers in Shaanxi, Shandong, Henan and Gansuprovinces, china. *African Business and Management Research Journal*, ISSN: 2518-1(2) , 15-27.
- Heritot, K. (2008). A new approach to rural entrepreneurship, a case study of two rural electric cooperatives, Western Kentucky University, and Noel D. Campbell, North Georgia College & State University. *Review*,14(3), 114-128.

- Holden, R., Jameson, S., & Walmsley, A. (2009). New graduate employment within SMEs: still in the dark?. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 14 (2), 211- 227.
- Kader, A., Mohamad, M., & Ibrahim, A. (2007). *Success factors for small rural entrepreneurs under the one-district-one industry programme in Malaysia*. Faculty of Economics and Administration. University of Malaya. 50603 Kuala Lumpur. radiah@um.edu.my.
- Karimi, S., JA Biemans, H., Lans, T., Chizari, M., & Mulder, M. (2014). Effects of role models and gender on students' entrepreneurial intentions. *European Journal of Training and Development*, 38(8), 694-727.
- Kelin, P., & Foss, N. (2009). the entrepreneurial organization of heterogeneous capital. *Journal of Management Studies*, 2, 54-56.
- Liu, H., & Kong, F. (2005), A new MADM algorithm based on fuzzy subjective and objective integrated weights. *International Journal of Information and Systems Sciences*, 1(3-4), 420–427.
- Lu, J., Zhang, G., Ruan, D., & Wu, F. (2007). *Multi objective group decision making: method, Software and application with fuzzy soft technology*. London: Imperial College Press.
- Poza, E.J. (2007). Value chain analysis of the natural gas industry: lessons from the US regulatory success and opportunities for Europe. *Journal of Natural Gas Science and Engineering*, 14 (2), 86-104.

- Reardon, T., & Escobar, G. (2008). Rural land form employment and income in Latin America, overview and policy implication. *World Development*, 12 (3), 45-56.
- Saarenketo, S., Puumalainen, K., Kuivalainen, O., & Kylaheiko, K. (2009). A knowledge-based view of growth in new ventures. *European Business Review*, 21(6), 31-46.
- Saxena, S. (2012). Problems faced by rural entrepreneurs and remedies to solve. *Journal of Business and Management*, 3(1), 23-29.
- Sergey A., Dietmar, G., & Robert D. Hisrich (2008). The journey from novice to serial entrepreneurship in China and Germany: are the drivers the same?. *Managing Global Transitions*, 2(6), 117-142.
- Shehu Hussain, M. (2014). The role of cooperative organizations in rural community development in Nigeria: prospects and challenges. *Academic Research International*, 5(3), 189-197.
- United States Department of Agriculture (USDA)(2010). *How to start a cooperative*. USDA. Cooperative Information. Report 7. Edit by G.Rappand G.Ely. Retrieved from <http://www.rurdev.usda.gov/rbs/pub/cir7/cir7.pdf>.

A Pathology of Entrepreneurial Value Chain in Rural Businesses (Case Study: Rural Cooperatives of Kermanshah Province)

Gh.H. Hosseininia^{1}, V. Aliabadi²*

Received: Mar 28, 2019

Accepted: Jul 06, 2019

Abstract

This descriptive-analytical study The purpose of pathological evaluation of Porter value chain From the perspective of rural cooperative activists in Kermanshah province, using fuzzy TOPSIS technique. The statistical population of the study consisted of 145 top activists (Administration Cooperatives, Work and Social Welfare Kermanshah Province and Industry, Mine & Trade office) and Provincial Co-operative formed. Data were analyzed using fuzzy TOPSIS technique. The ranking results showed that out of the five categories of barriers to the value of rural cooperative businesses, the Lack of proper financing mechanism in the field of rural cooperative businesses is the most important challenge of this chain. According to the results of the Spider Diagram, entrepreneurs in the service activists lacked entrepreneurial skills training, livestock sector activists lack of policy making and lack of proper government support and agricultural entrepreneurs lacked specialized counseling and lack of specialized consultants in the field. Proper financing mechanism in identified as the most important barriers to value chain development in rural cooperative businesses.

Keywords: Pathology, Entrepreneurial Value Chain, Porter Model, Rural Business, Rural Cooperative, TOPSIS Technique

1. Associate Prof., Department of New Business, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Iran

* Corresponding Author

hosseininia@ut.ac.ir

2. PhD Student, Department of Agricultural Extension and Education, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran